

نهادهای خردگستری

دکتر عبدالحسین ساسان - عضو هیأت علمی گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان



احتمالی درست باشد انتظار می‌رود که مدیران جوامع پیشرفته، که از قشر دانش‌آموختگان هستند، هیچ‌گونه تصمیم نابخردانه‌ای نگیرند، و از اندیشه‌ها و کارهای نابخردانه دوری گزینند. در حالی که این چنین نیست. پیدایش و گسترش ناگهانی نهادهای خردگستری در اوایل قرن بیست و یکم گویای این واقعیت است که با گذشت ۳۵۰ سال از جنبش روشنگری (تا پایان قرن بیستم) و بیش از ۱۰۰ سال تلاش و کوشش نظام‌های تعلیم و تربیت برای آموزش خردگرایانه و نیز باوجود تعبیه‌ی ساختارهای شایسته‌سالاری در کلیه‌ی سطوح مدیریت باختر زمین، که هدف آنها شناسایی و گزینش خردمندان برای تصدی مناصب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است، هنوز هم نمودهای خردگرایی در باختر زمین به فراوانی یافت می‌شود.

این نوشتار کوششی است برای یافتن پاسخ به این دو پرسش اساسی:

۱. چرا پس از ۳۵۰ سال تبلیغ خردگرایی و چندین دهه آموزش خردگرایی، هنوز هم در کشورهای مغرب‌زمین خردگرایی در همه‌ی سطوح و جوانب زندگی دیده می‌شود.

۲. کشورهای گوناگون چه راهکارهایی برای گسترش خردورزی در سطح خانواده، بنگاه، کارخانه، اداره، وزارتخانه، مجلس، دانشگاه و دولت در پیش گرفته‌اند.

علل و موجبات خردگرایی در مغرب‌زمین

پدیده‌ی خردگرایی خواه در باختر زمین و خواه در خاور زمین دلایل فراوانی دارد. پاره‌ای از این دلایل میان همه‌ی کشورها مشترک است. ولی پاره‌ای از دلایل خردگرایی نیز از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد. از این رو ممکن است پاره‌ای از دلایل خردگرایی در باختر زمین، که در این نوشتار فهرست شده است، در یک یا چند یا همه‌ی کشورهای خاور زمین نیز مصادیقی داشته باشد. به هر حال شماری از علل و موجبات خردگرایی در کشورهای باختر زمین به شرح زیر است:

۱. ضعف نظری

بسیاری از پیشتازان و طلایه‌داران «جنبش روشنگری» به همان میزانی که در اصالت بخشیدن و بیان اهمیت خردمندی راه درستی می‌پیمودند در نفی ابعاد دیگر انسان دچار لغزش شده بودند.

شکی نیست که مهمترین بردار شخصیت انسان خردورزی است و تردیدی نیست که بزرگترین نعمتی

«جنبش روشنگری» که تقریباً از سال ۱۶۵۰ در مغرب‌زمین آغاز شد سرچشمه‌ی دگرگونی‌های همه‌سویه و گسترده‌ای است که تا دوران کنونی ادامه دارد، و مسلماً در آینده نیز ادامه خواهد داشت. خلاصه کردن پیامدهای «جنبش روشنگری» و چکیده‌نویسی «گفتمان‌های روشنگری» کاری است ناممکن. حتی شاید نتوان پیام‌های این جنبش را به سادگی اولویت‌بندی کرد. مثلاً به آسانی نمی‌توان گفت آیا پیام «خردورزی» علت اصلی پیشرفت‌های علمی، صنعتی، فنی و اقتصادی باختر زمین بوده است یا پیام «آزادی اندیشه».

شاید بتوان گفت همه‌ی پیام‌ها و گفتمان‌های جنبش روشنگری به یکدیگر وابسته‌اند. احتمالاً مجموعه‌ی این گفتمان‌ها دست به دست هم داده و دگرگونی‌های عظیم علمی، فنی و اقتصادی را پدید آورده‌اند.

با وجود این، دست‌کم از دیدگاه تقدم و تأخر زمانی، یکی از گفتمان‌ها و پیام‌های جنبش روشنگری زودتر از گفتمان‌های دیگر مطرح شد. این پیام بزرگ «گرایش به خرد» و «گریز از اندیشه‌ها و کارهای نابخردانه» بوده است. تا جایی که اگر «گفتمان آزادی» را مستثنا کنیم، گفتمان خردگرایی بیشترین حجم ادبیات، فلسفه و هنر دوران روشنگری را اشغال کرده است.

اکنون پس از گذشت حدود ۳۵۰ سال از جهیدن نخستین جرقه‌های روشنگری قاعدتاً باید جوامع غربی همه‌ی امور و شؤون زندگی خصوصی و اجتماعی خود را به گونه‌ای خردمندانه ساماندهی کرده باشند، ولی واقعیت چنین نیست، زیرا خردگرایی یک پدیده‌ی «یک‌بار برای همیشه و پایان‌پذیر» نیست، بلکه یک «نیاز دم به دم و پایان‌ناپذیر» است.

در کشورهای پیشرفته‌ی جهان نظام آموزشی به رشد حافظه و گسترش محفوظات دانش‌آموزان نمی‌پردازد. بلکه هدف آموزش آن است که کودکان، نوجوانان و جوانان خردمندانه بیندیشند و خردمندانه عمل کنند. بنابراین احتمال دارد که بسیاری از دانش‌آموختگان این مدارس اصول خردگرایی را فرا گرفته و در زندگی خصوصی و اجتماعی خویش به کار ببرند. اگر چنین

که خداوند به انسان عطا کرده خردمندی است. بی شک پیشوای همیشگی انسان عقل است، «العقل نبی الباطن» دلالت بر همین واقعیت دارد، ولی با وجود همه‌ی اهمیتی که خرد دارد نباید از این نکته غافل بود که انسان یک موجود تک‌ساختی یا تک‌برداری نیست.

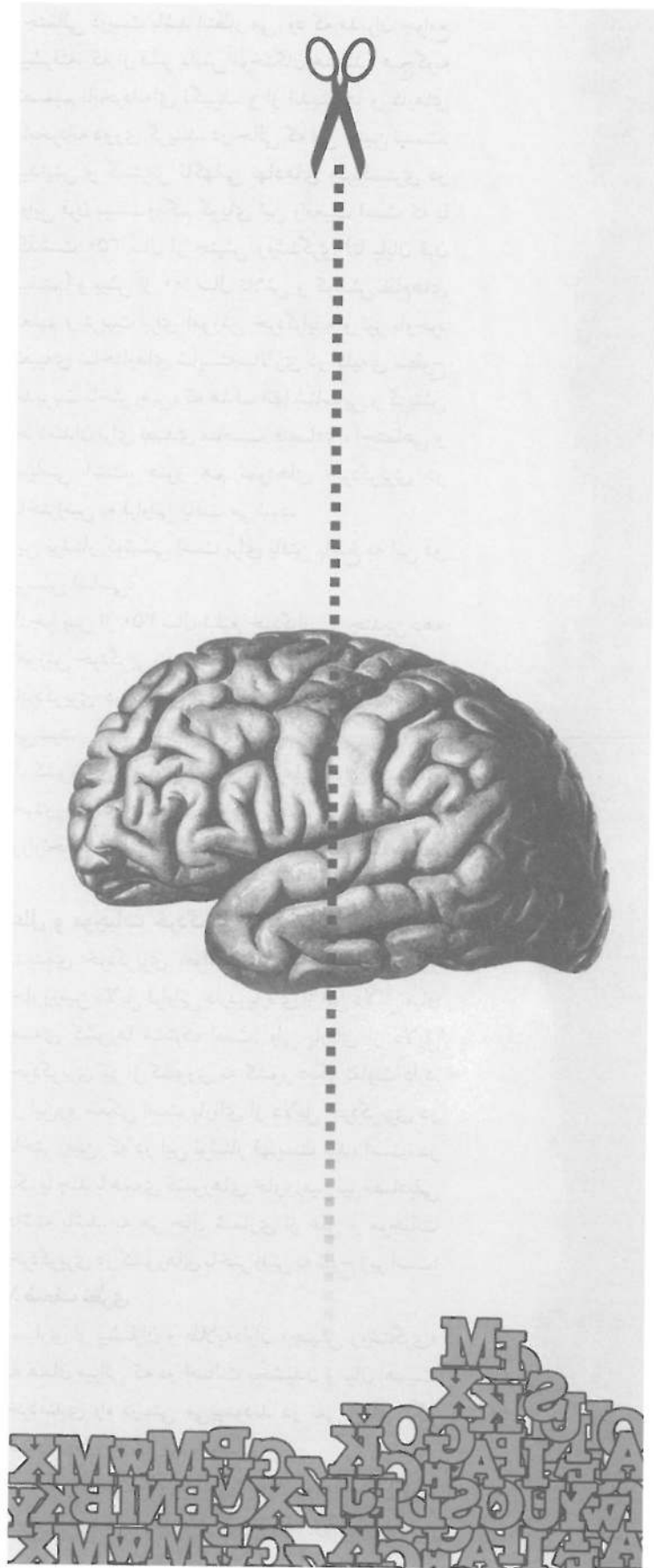
شمار فراوانی از نظریه‌پردازان جنبش روشنگری دچار این لغزش شده‌اند که انسان را یک موجود تک‌بعدی بیندارند و از دیگر ابعاد وجودی انسان غفلت ورزند. پس از آنکه شور و غوغای دوران پرتب‌وتاب روشنگری اندکی فرو کاست. برخی از دانشمندان برجسته‌ی باخترزمین به درستی یادآور شدند که انسان موجودی ناشناخته و بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان او را صرفاً خردمند دانست.

انسان کامل موجودی است که از خرد سرشاری برخوردار است، ولی بردارهای دیگر همچون مهرورزی، عشق، فداکاری، شهوت، خشم، همچشمی، شادی، اندوه، سرمستی و دلتنگی نیز در انسان دیده می‌شود.

یک نظریه‌ی مناسب انسان‌شناسی آن نیست که بر تواناییهای شخصیت انسان مانند خردگرایی تکیه کند، ولی ضعف‌های شخصیت انسان مانند خشم را نادیده انگارد. بلکه نظریه‌ی مناسب آن است که خروج از تعادل را در میان ملت‌ها، اقوام، گروه‌ها و حتی احاد انسان جست‌وجو کند. به همان نسبتی که ممکن است مردم خاورزمین احساساتی و خردگریز باشند، ممکن است مردم باخترزمین نیز احساسات‌گریز تربیت شده باشند. از این‌رو صرفاً آن نظریه‌ی انسان‌شناختی سودمند است که به جوامع احساساتی و شعارپسند ضرورت خردگرایی را یادآور شود و به جوامع شعورگرا ارزش احساسات را بشناساند.

۲. ضعف زیست‌شناختی

اگرچه می‌توان گفت پیشرفت شتابان بشر در اکتشافات علمی معلول ترویج و تبلیغ خردگرایی از جانب جنبش روشنگری بوده است، ولی اکتشافات جدید علمی نیز بر بینه‌ی ما نسبت به خردگرایی اثرگذار است. هنگامی که بشر به یاری زیست‌شناسی از سازوکارهای پیچیده‌ی مغز انسان آگاهی یافت با کمال شگفتی دریافت که مغز انسان صرفاً پایگاه خردمندی نیست. بلکه بخش‌های مشخصی از مغز انسان عهده‌دار احساسات متفاوتی است که ابعاد وجودی انسان را تشکیل می‌دهد. بنابراین مسؤول بسیاری از احساسات و رفتارهای



غیرخردمندانه‌ی بشر چیزی جز مغز انسان نیست. همان اندام مقدسی که ۳۵۰ سال است به پرستشگاه جنبش روشنگری تبدیل شده است.

دانش زیست‌شناسی این پندار را در هم ریخت، که مغز سرچشمه‌ی خردمندی و فضایل انسانی باشد، و برخی از اندام‌های دیگر منشأ بی‌خردی و رذایل انسانی. مغز انسان بدان‌سان که خرد را می‌پرورد، شیدایی (یا عشق) را نیز پدید می‌آورد.

۳. ضعف روان‌شناختی

تردیدی نیست که دانش روان‌شناسی نیز همانند دیگر دانش‌های جدید موجودیت خود را مدیون «جنبش روشنگری» و گرایش به خردورزی است، ولی این وابستگی، روان‌شناسان و به‌ویژه روان‌کاوان را وادار نمی‌کند که در حد یافته‌های فیلسوفان جنبش روشنگری توقف کنند. تقدس‌زدایی از کلیه‌ی اندیشه‌های زمینی آموزه‌ی روشنگری است. بنابراین روان‌شناسان نیز برسر آن نبودند که به تقدس‌نمایی این جنبش بپردازند. از این‌رو هنگامی که فروید کارکرد مغز انسان را به دو بخش اساسی «ضمیر خودآگاه» و «ضمیر ناخودآگاه» تقسیم کرد خردگرایان نیز پذیرفتند که شخصیت انسان افزون بر خرد از بردارهای دیگری نیز برخوردار است.

۴. دشواری دستیابی به خرد والا

سه نکته‌ای که پیش از این گفته شد یعنی «ضعف نظری»، «ضعف زیست‌شناختی» و «ضعف روان‌شناختی» به هیچ‌وجه به معنای آن نیست که خردگرایی در اندیشه و عمل امکان‌پذیر نیست، بلکه صرفاً به این معناست که حتی دانش‌آموختگانی که بر پایه‌ی خردگرایی آموزش دیده و تربیت شده‌اند به هیچ‌وجه تک‌ساختی نیستند، بلکه آنها نیز گرفتار احساسات و شیدایی‌هایی می‌شوند و تحت تأثیر «ضمیر ناخودآگاه» خویش به کارهایی دست می‌زنند که «ضمیر خودآگاه» آنان را درمانده، سرگردان و شگفت‌زده می‌کند.

ولی چهارمین نکته، یعنی دشواری دستیابی به خرد والا به معنای آن است که دستیابی به خرد متعالی کار ساده‌ای نیست. منظور از خرد والا یا متعالی دو چیز است. نخست «خرد بلندمدت» که عبارت است از تعویق جذب خیر و دفع شر از زمان حاضر به زمان‌های دور آینده. دوم «خرد جمعی» که عبارت است از انتقال جذب خیر و دفع شر از خویشتن به افراد دیگری مانند همکاران، همشهریان و یا هم‌میهنان. در نوشتاری که پیش از این با عنوان «خرد اقتصادی

در برابر خرد فلسفی» منتشر شد (۱) مشخص گردید که «خرد فردی» صرفاً نخستین پلکان از نردبان بلندی است که خردگرایی نام دارد. آخرین پلکان این نردبان «خرد جمعی» است که انسان را به این استدراک می‌رساند که می‌تواند از خیر دیگران بهره‌مند شود و از شر دیگران متضرر گردد.

بدبختانه همه‌ی کسانی که به خرد فردی دست یافته‌اند نمی‌توانند مدارج پیایی خردمندی را بپیمایند و به مراحل والای خردمندی یعنی خرد جمعی نایل شوند. این قاعده شامل بسیاری از مدیران، تصمیم‌گیرندگان، و حتی دانشمندان کشورهای مغرب‌زمین نیز می‌شود. از این‌رو آنان نیز ممکن است از اتخاذ تصمیمات خردمندانه، در سطح خرد متعالی ناتوان باشند.

۵. دشواری محاسبات خردمندانه

اگرچه هر کسی می‌تواند با تعریف «خرد فردی» ارتباط برقرار نماید و احساس همبستگی کند، ولی هر کس نمی‌تواند محاسبات دقیقی در این خصوص انجام دهد. گفته شد که خردمندی عبارت است از «کسب خیر و دفع شر». ولی خیر یا سود همواره روشن و آشکار پیش چشم انسان قرار ندارد. چنانکه شر یا زیان نیز چندان آشکار و قابل تشخیص نیست.

این دشواری که برای خرد فردی دیده می‌شود، در مورد «خرد جمعی» به مراتب پیچیده‌تر و حادث‌تر خواهد بود. هنگامی که انسان نتواند به‌سادگی سود و زیان خویش را محاسبه کند، به طریق اولی در محاسبه‌ی سود و زیان سازمان تحت مدیریت خود، شهر خود و یا کشور خود با دشواری‌های بیشتر، پیچیدگی‌های تو در تو، و عدم اطمینان‌های افزون‌تری روبه‌رو خواهد بود.

۶. دشواری کمبود اطلاعات

مردم ممکن است با مشاهده‌ی فردی که زمین یا خانه‌ی خود را به قیمت مناسبی می‌فروشد، ولی یک ماه پس از آن اطلاع حاصل می‌کند که یک خیابان تجاری از مجاورت آن می‌گذرد، چنین داوری کنند که خردمند نیست؛ در حالی که در واقع ممکن است وی فرد خردمندی باشد، ولی از شبکه‌ی اطلاعات شهری بی‌بهره بوده است.

به طریق اولی اطلاعات مورد نیاز برای اداره‌ی خردمندانه‌ی یک بنگاه، یک سازمان، یک شهر، یا یک کشور بیشتر و پیچیده‌تر است. بنابراین ممکن است داوری مردم درباره‌ی بی‌خردی مدیران و سیاستمداران

یک کشور درست نباشد. ممکن است رفتارهای نابخردانه‌ای که برخی از مدیران و سیاستمداران بروز می‌دهند از انسداد مجاری اطلاعاتی صحیح، و یا حتی فرایند «بولتن‌سازی» به منظور ایجاد زندان اطلاعات نادرست سرچشمه گرفته باشد.

اتخاذ تصمیم‌های خردمندانه به‌ویژه تصمیم‌های مبتنی بر خرد جمعی چنان به وجود جریان اطلاعات درست وابسته است که به آسانی می‌توان هدایت شدن رجال سیاسی، یا مدیران صنعتی یک کشور را تشخیص داد. در دوران کنونی به‌ندرت جنگ‌های آتشین برپا می‌شود، ولی همه روزه جنگ‌های اطلاعاتی گسترده‌ای در همه‌ی سطوح کشور جریان دارد.

جنگ اطلاعاتی عبارت است از تنظیم جهت‌دار اخبار واقعی و یا تدوین اخبار ساختگی و ایجاد شاهراه‌های مطمئنی برای ارسال این اطلاعات به شخصیت‌های تأثیرگذار مذهبی، علمی، سیاسی، صنعتی و بازرگانی کشورهای هدف، به منظور ایجاد اختلال در خرد فردی و خرد جمعی آنان. بنابراین ممکن است مدیران یا سیاستمداران در باختر زمین و یا در هر جای دیگر، دچار دشواری کمبود اطلاعات به‌طور طبیعی و یا جنگ اطلاعاتی از جانب رقبای خود در شرایط غیرطبیعی باشند. در چنین شرایطی نمی‌توان به خردمندانه بودن تصمیمات آنان اطمینان داشت. از این رو «نهادهای خردگستری» باید به یاری آنان بشتابند، تا از تصمیم‌گیری‌های نابخردانه در سازمان‌ها و بنگاه‌های کشور جلوگیری شود.

۷. دشواری مهر و بیزاری

ابزار اطلاع‌رسانی به مغز به‌منظور بهره‌برداری از تحلیل‌های خردمندانه، چشم و گوش انسان است. بدبختانه حب و بغض یا مهر و بیزاری نسبت به هر شخص یا هر پدیده‌ای چشم انسان را کور و گوش انسان را کر می‌کند. روشن است انسانی که در پرتو مهر یا بیزاری از یک موضوع خاص، واقعیت‌ها را نمی‌بیند و صداها را می‌شنود، نمی‌تواند تصمیمات خردمندانه‌ای اتخاذ کند.

ت حزب یا جناح‌بندی در هر جامعه‌ای اجتناب‌ناپذیر و حتی سودمند است. ولی یک عیب بزرگ هم دارد و آن این است که پس از هر انتخاباتی یک جناح سیاسی مناصب مدیریتی جامعه را به‌دست می‌گیرد، که لزوماً و به نحو اجتناب‌ناپذیری مهر اعضای جناح خود را

در دل دارد و از اعضا و هواداران جناح‌های رقیب بیزار است. به همین دلیل است که سیاستمداران هنگامی که از مهرورزی سخن می‌گویند، مراد آنها مهرورزی نسبت به اعضا و هواداران جناح خویش است و هنگامی که از بیزاری و خشم سخن می‌گویند، مراد آنها کنار گذاشتن و طرد اعضا و هواداران جناح‌های رقیب است. اکنون این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا مدیران و سیاستمداران حزبی یا جناحی که لزوماً گرفتار حب و بغض هستند و به‌گونه‌ی اجتناب‌ناپذیری واقعیات جامعه را نمی‌بینند و صداها را مخالف را نمی‌شنوند، می‌توانند تصمیمات خردمندانه‌ای اتخاذ کنند؟

متأسفانه پاسخ این پرسش همواره مثبت نیست. از این رو هر جامعه‌ای به نهادهای خردگستری نیاز دارد تا حتی‌المقدور از حجم تصمیم‌گیری‌های نابخردانه‌ی مدیران و سیاستمداران جناحی و حزبی بکاهد.

بنابراین نهادهای خردگستری، مکمل و متمم احزاب سیاسی، انجمن‌ها، تشکل‌ها و جناح‌های فکری موجود در جامعه است. اگر وظیفه‌ی احزاب و جناح‌های سیاسی، ایجاد حب نسبت به یک تفکر خاص و نظریه‌پردازان آن است، که در راستای ایجاد بغض یا بیزاری از تفکرات رقیبان و نظریه‌پردازان آنها به‌دست می‌آید، در مقابل، وظیفه‌ی نهادهای خردگستری آن است که برجسته‌ترین اندیشمندان همه‌ی جناح‌ها و همه‌ی احزاب را گرد هم نشانند تا مسائل مطروحه را هم از دیدگاه مهر و هم از دیدگاه بیزاری مورد بررسی قرار دهند.

ایجاد نهادهای خردگستری جامعه را توانا می‌کند که از منافع دموکراسی و تحزب بهره‌برداری کند و از مضار آن نیز اجتناب ورزد. از این رو احزاب سیاسی هنگامی برای جامعه سودمند هستند که نخبگان خود را به نهادهای خردگستری گسیل دارند و نظریه‌هایی را که در این نهادها تولید و تدوین می‌شود به گفتمان هر روزه‌ی احزاب و جناح‌ها تبدیل نمایند.

اکنون که از دلایل وجود احتمال اتخاذ تصمیمات نابخردانه توسط بنگاه‌ها، سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و سیاستمداران آگاه شدیم، هنگام آن فرا رسیده است که راهکارهای کاهش تصمیمات نابخردانه را نیز بررسی کنیم.

پی‌نوشت

۱. فصلنامه‌ی حسنت، شماره‌ی ۶ و ۷، پاییز ۱۳۸۴.